

## بیشتر آبدات تاریخی کشور در خطر نابودی قرار دارند

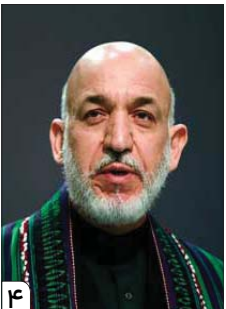
افغانستان با داشتن تاریخ کهن، همواره شاهد تمدن های بزرگ بوده است؛ موجودیت هزاران آبدی تاریخی در کشور خود گواه غنای فرهنگی و تاریخی پر بار آن است، اما ناامنی ها و بحران کنونی بیشتر از هر زمان دیگر حیات این آبدی ها را متضرر ساخته است.



## حامد کرزی:

## داعش در افغانستان جایی ندارد

کرزی چنین حرکت‌هایی را با سالهای نخست ظهور گروه طالبان مقایسه کرده و گفته است: «اگر کسی درجایی از افغانستان بیرق داعش را بلند کند، نتیجه توطئه خارجی است که در منطقه وضعیت جدیدی را حاکم کرده و بدبختی تازه و بی ثباتی بوجود آورد.»



## سعودی در سوگ سلطنت

♦ ملک عبدالله تا پیش از به دست گرفتن رسمی سکان هدایت کشتی سلطنت در دریای متلاطم و توفانی سیاست سعودی، از منتقدان جدی غرب و به ویژه امریکا و طرفدار حقوق فلسطینیان بود؛ اما با دست یافتن به قدرت، شاید تحت تاثیر نفوذ عمیق و سنگین امریکا و غرب بر سازوکار پیچیده و غیر دموکراتیک دربار سعودی، ۱۸۰ درجه تغییر دیدگاه داد و به یکی از اصلی ترین هواخواهان سلطه امریکا بر منابع نفتی و مقدرات سیاسی خاور میانه تبدیل شد و آشکارا در قبال مساله فلسطین سکوت و محافظه کاری اختیار کرد.



## وزرای دو تابعیته؛ چالش حقوق و سیاست

در صفحه ۲

## یادداشت

## یک سوزن به خود یک جوال دوز به دیگران!

م. سمنگانی

گاهی یک ضرب المثل، دنیایی از معنا را در خود نهفته دارد. تعمق در این گونه جمله ها نشان می دهد که گویندگان آن دقت ورزی های لازم را داشته و سخنان آمیخته با حکمت و معرفت صدور یافته است. ضرب المثلی که در فوق قرار گرفته است به نظر یکی از همین کلمات حکیمانه و درخشانی است که غنای ادبیات و ذهن خلاق حکیمان ما را نشان می دهد.

این که در مقام داوری باید خود معیار بود، و بر دیگران چنان ببیند، که بر خود می پسندی. علی (ع) هم در مقام سفارش به فرزند خود به همین نکته اشاره کرده و فرموده است: «که در داوری با دیگران چنان رفتار کن که دوست داری دیگران با تو رفتار کنند».

ذهن ادیبان ما نیز مشحون و مملو از سخنان بزرگان بوده و در شعرهای خود این گونه سخنان نیکو را از آنها وام کرده به نیکویی بیان داشته اند.

حضرت سعدی (رح) گفته: آنچه بر نفس خویش نپسندی؛ نیز بر نفس دیگری مپسند باری؛ غرض نیز آنست که نکته های حکیمانه در زندگی روزمره ی سیاسی و اجتماعی به کار بسته شود و چراغ راه ما باشد. اما متأسفانه این سخنان نغز و دل پذیر ... ادامه در صفحه ۳

## فرانسه باید عذر خواهی کند

عبدالصبور فخری، رئیس جمعیت اصلاح گفت که دفاع از مقدسات و پیامبر اسلام و جیبه ماست و به خاطر دفاع از آن تا پای جان ایستاده ایم. وی خاطر نشان کرد که اگر غربی ها دست از این کار غیر انسانی خود برندارند، مسلمانان نیز آرام نخواهند نشست و مشت محکمی بر دهان استکبار خواهند زد. این تظاهرات در حالی روز (پنج شنبه) در کابل برگزار شد که دو هفته قبل یک نشریه فرانسوی کاریکاتوری را نشر کرده

ده ها تن از شهروندان کابل با همکاری جمعیت اصلاح، علیه نشر کاریکاتور توهین آمیز پیامبر اسلام تظاهراتی در مقابل دروازه ارگ ریاست جمهوری راه اندازی کردند و این عمل ضد انسانی را تقیح کردند. به گزارش خبرگزاری آوا، تظاهر کنندگان با شعارهای «روح ما، وجود ما/ محمد، محمد»؛ «رهبر محبوب ما محمد؛ محبوب قلوب ما محمد» نشر کاریکاتور پیامبر اسلام را مغرضانه خواندند و خواستار پیگرد شدند.

نماز پرفیض عبادی سیاسی جمعه این هفته نیز درمساجد و مصلاهای شهر کابل با حضور هزاران مسلمان نمازگزار اقامه شد.

به گزارش خبرگزاری صدای افغان (آوا)، خطیبان و امامان جمعه، ضمن توصیه مردم به تقوی الهی، امر به واجبات و ترک محرّمات، به اوضاع سیاسی و اجتماعی جاری در دنیای اسلام اشاره کردند.

امامان جمعه توهین به پیامبرگرامی اسلام (ص) را از سوی دشمنان اسلام به خصوص نشریه شارلی آبدوی فرانسه نکوهش کرده و افزودند: دشمنان سوگند خورده دین مبین اسلام نمی توانند با اینگونه اعمال ناجوانمردانه خود از توسعه و گسترش دین اسلام جلوگیری کنند. شداکتر ایاز نیازی امام جمعه شرق کابل که در جمع صدها تن نمازگزار در مسجد جامع وزیر محمد اکبرخان صحبت می کرد گفت: توهین به پیامبر گرامی

## نامزد وزیرانی که دارای تابعیت دوگانه هستند؛

## دلسوز به افغانستان نخواهند بود

اسلام (ص) توهین به یک میلیارد و هشت صد میلیون مسلمان جهان است. به گفته او توهین به مقدسات اسلام از سوی دشمنان به خصوص یهودیان چیز تازه ای نیست، بلکه به صورت مکرر دست به چنین اعمال غیراخلاقی و انسانی زده و خواهند زد. به گفته او به نص صریح آیه قرآن کریم، سرسخت ترین دشمنان مسلمانان در قدم اول یهود است بعد مشرکین. به گفته وی بیشترین وقت رسول خدا (ص) نیز در مدینه صرف کارشکنی ها و خرابکاری های یهود شد و آن حضرت این عناصر مغرض و لجوج را بزرگترین خطر برای کبان اسلام میدانست خود به اوضاع سیاسی جاری در کشور

بود که منسوب به پیامبر اسلام شده بود. نشر این کاریکاتور در ادامه ترور افرادی که چند سال قبل کاریکاتوری از پیامبر نشر کرده بودند، صورت گرفت. رئیس جمعیت اصلاح اظهار کرد همه دسیسه ها و فتنه جویی ها زیر نظر غربی هاست و از آنان می خواهیم که از اعمال ناشایست خود دست بردارند تا مسلمانان نیز از انتقام جویی علیه آنان منصرف شوند. او از کشورهای اسلامی و به خصوص دولت افغانستان خواست که سفیر کشور فرانسه را احضار کند و

راجع به این عمل شنیع بازپرسی شود. آقای فخری ادامه داد که سفیر کشور فرانسه باید از مسلمانان معذرت خواهی کند و در غیر آن باید سفارت کشور فرانسه مسدود شود.

رئیس جمعیت اصلاح تصریح کرد که کشورهای مسلمان، روابطی که به مقدسات و پیامبرشان توهین شده باشد را نمی پذیرند و این عمل را تقیح می کنند. گفتنی است با نشر کاریکاتور منسوب به پیامبر اسلام، چندین کشور اسلامی سفرای کشور فرانسه را احضار کرده اند.

نیز اشاره کرد و گفت: کابینه به شورای ملی معرفی شد، اما کسانی که که تابعیت دوگانه دارند، دلسوزانه به کشور خدمت نخواهند کرد و باید پارلمان جدید خود را در این زمینه حفظ کند.

وی علاوه کرد مسوولیت رییس جمهور نیز سنگین است که در معرفی دور دوم از احتیاط کار بگیرد و افراد شایسته را معرفی کند زیرا در افغانستان فقط الرجال نیست، بلکه این سرزمین سرزمین نواغ است. او از حکومت وحدت ملی خواست که افغانستان را بیشتر از این در انظار جهانیان با معرفی افراد بی کفایت و یا دو تابعیته شرمنده نسازد و افراد شایسته و باصلاحیت را معرفی کند. او با تاکید براینکه در افغانستان شخصیت هایی وجود دارد که می توانند جهان را قیادت و رهبری کنند افزود: رهبران سیاسی باید بتهای قوم پرستی و زبان را بشکنند و از ملیت گرایی به سوی ملت سازی گام بر دارند.

## تحلیل

## تقابل تماشایی اسرائیل و کنگره امریکا با کاخ سفید

کاخ سفید اعلام کرده که باراک اوباما؛ رئیس جمهور امریکا، در سفر بنیامین نتانیاها؛ نخست وزیر رژیم اسرائیل به واشنگتن با او دیدار نخواهد کرد. دولت امریکا می گوید علت این تصمیم نزدیکی این سفر به انتخابات در فلسطین اشغالی است و آقای اوباما نمی خواهد با دیدار با نتانیاها این تصور را پیش بیاورد که می خواهد با حمایت از کسی در سیاست داخلی اسرائیل دخالت کند. انتخابات سراسری اسرائیل در اواخر ماه حوت برگزار خواهد شد.

نتانیاها اعلام کرده است که کمتر از دو ماه دیگر به دعوت رئیس مجلس نمایندگان امریکا به واشنگتن می رود؛ تا در کنگره درباره اختلاف نظرهای امریکا و رژیم اسرائیل در زمینه برنامه هسته ای ایران صحبت کند.

کاخ سفید گفته که دعوت جمهوری خواهان کنگره بدون هماهنگی با دولت بوده و این کار نقض پروتکل های دیپلماتیک محسوب می شود.

بنیامین نتانیاها منتقد سیاست باراک اوباما در قبال ایران است و از امریکا می خواهد که سیاست سختگیرانه تری در مقابل ایران اتخاذ کند.

به همین دلیل، استدلالی که کاخ سفید برای این تصمیم خود ارائه کرده، بسیار غیر قابل باور است.

این دلیل نمی شود که چون انتخابات در فلسطین اشغالی نزدیک است، اوباما نخواهد با عالی ترین مقام رژیم صهیونیستی دیدار کند. چنین چیزی پیش از این نه در مورد رژیم اسرائیل و نه در مورد هیچیک دیگر از رهبران جهان سابقه نداشته است.

از سوی دیگر، هیچیک از رهبران جهان، سفرهای دیپلماتیک و رسمی خارجی خود را دو ماه پیش از انتخابات، به این دلیل که رهبران کشورهایی که به آنها سفر می کنند از دیدار با آنان امتناع خواهند کرد لغو نمی کنند؛ بنابراین استدلال کاخ سفید در این زمینه بیش از اندازه غیر قابل باور و البته غیر واقعی است. از سوی دیگر، دلایل فراوانی وجود دارد که نشان می دهد این تصمیم امریکا مستقیما به اقدام اعضای جمهوری خواه کنگره امریکا در دعوت از نخست وزیر رژیم اسرائیل برای ایراد سخنرانی ضد ایرانی در این مجلس، ربط دارد ... ادامه در صفحه ۲

در پیوند به نشر کاریکاتور توهین آمیز حضرت محمد (ص) توسط مجله فرانسوی، ... ادامه در صفحه ۲

که هر نوع روابط را با کشور فرانسه قطع نموده و سفارت این کشور را در کابل بسته نماید.

ابدو پرچم این کشور را به آتش کشیدند. به گزارش خبرگزاری آوا، جوانان غزنی از رئیس جمهور کشور تقاضا کردند

شماری از جوانان ولایت غزنی در اعتراض به نشر کاریکاتور حضرت محمد (ص) در مجله فرانسوی شارلی



سرانجام مقام های عربستان سعودی «تایید» کرده اند که ملک عبدالله بن عبدالعزیز پادشاه این کشور در اثر ابتلا به عفونت ریه، در سن ۹۰ سالگی مرده است. خبر مرگ پادشاه عربستان سعودی در نخستین ساعات روز جمعه از تلویزیون رسمی این کشور اعلام شد. این در حالی است که این خبر دست کم دو هفته پیش از سوی

ملک عبدالله به عنوان ولیعهد جدید معرفی شده است. ملک عبدالله، ملک سلمان و امیر مقرن هر سه پسران ملک عبدالعزیز؛ بنیانگذار کشور عربستان سعودی در دوران مدرن هستند که از آنها با عنوان آل سعود یاد می شود. ملک عبدالله، سیزدهمین پسر در میان ۳۷ پسر ملک عبدالعزیز بود. بنا به گزارش های رسمی، ملک عبدالله در سال ۱۹۲۴ در ریاض به

بسا جهان باقی ماند و تنها حدود یک هفته قبل از اعلام رسمی خبر مرگ سلطان سعودی، رسانه های اجتماعی ویدئویی را منتشر کردند که گردن زدن یک زن در شهر مقدس مکه توسط مأموران دربار آل سعود در ملاً عام را نشان می داد و این تنها نمونه ای کوچک از نقض گسترده حقوق اساسی، انسانی و اسلامی نیمی از پیکره اجتماعی عربستان است.

۲۰۱۲ به حکم ملک عبدالله به مقام ولایتعهدی رسید. او در سال ۲۰۱۱ به عنوان وزیر دفاع عربستان سعودی تعیین شد و تا پیش از آن برای ۴۸ سال امیر منطقه ریاض بود. پادشاه تازه نیز ۷۹ سال دارد؛ سنی که در دیگر کشورهای جهان که دارای نظام های دموکراتیک و باز هستند، سن بازنشستگی و گوشه گزینی از کار سیاسی محسوب می شود؛ اما او اکنون یکی از دشوارترین

تسلیت نوشته، بخشی از میراث ملک عبدالله، تقویت مناسبات امریکا و عربستان خواهد بود. با این حال، کم نیستند شمار کسانی در خاور میانه، دنیای اسلام و خود عربستان سعودی که این گرایش افراطی او به امریکا و غرب را مهم ترین نقطه ضعف وی می دانستند. این در حالی بود که او تا پیش از به دست گرفتن رسمی سکان

نخستین ساعات انتشار خبر، فقدان ملک عبدالله را تسلیت گفت. قرار است مراسم تشییع پیکر ملک عبدالله روز جمعه در ریاض انجام شود. پادشاه اردن و رئیس جمهوری مصر به عنوان دو تن از رهبران جهان عرب که برای حضور در نشست داووس در سوییس بودند با ناتمام گذاشتن سفر خود، راهی ریاض شدند؛ تا در این مراسم حضور یابند.

ملک عبدالله دوم پادشاه اردن همچنین در کشورش ۴۰ روز عزاداری عمومی اعلام کرده است! اردن عمق استراتژیک عربستان در دنیای عرب محسوب می شود و اقدام عجیب پادشاه اردن نیز نشانگر گستره سلطه سعودی بر اردن است. مصر قبل و بعد از مرسی نیز به شدت وابسته به عربستان و تابع سیاست های منطقه ای و بین المللی آن است.

آقای سیسی، فقدان ملک عبدالله را ضایعه ای تاریخی دانسته و گفته مصری ها هرگز مواضع این رهبر را فراموش نخواهند کرد.

رئیس جمهوری مصر همچنین ابراز اطمینان کرده که ملک سلمان به عنوان پادشاه جدید و امیر مقرن، ولیعهد تازه، راه ملک عبدالله را ادامه خواهند داد.

محمود عباس، رهبر تشکیلات خودگردان فلسطین نیز در سرزمین های فلسطینی سه روز عزای عمومی اعلام کرد.

هرچند ملک عبدالله در زمان حیاتش، به ویژه قبل از رسیدن به پادشاهی به شدت مخالف و منتقد یاسر عرفات؛ رهبر پیشین فلسطینیان بود؛ اما دولت خودگردان فلسطینی با تکیه بر ناسیونالیسم عربی، در برابر متحدان منطقه ای حماس، خود را در سایه دستگاه سیاسی عربستان سعودی تعریف می کند.

با همه این احوال، ناظران این احتمال را دور از امکان نمی دانند که وضعیت در عربستان سعودی از این پس به شدت بی ثبات، شکننده و آسیب پذیر شده و با رفتن سلطان، شاهزاده ها هرکدام با استفاده از نفوذ، جایگاه، ثروت و قدرتی که در اختیار دارند برای تصاحب سهم بیشتری از میراث او به جان هم بیفتند و در آن صورت به نظر نمی رسد سلمان به اندازه سلطان، دارای شخصیتی نافذ و مسلط بر دیگر همگانش باشد؛ تا اوضاع را به نفع آرامش و ثبات در شبه جزیره، کنترل و مدیریت کند.

## سعودی در سوگ سلطان

ناظران این احتمال را دور از امکان نمی دانند که وضعیت در عربستان سعودی از این پس به شدت بی ثبات، شکننده و آسیب پذیر شده و با رفتن سلطان، شاهزاده ها هرکدام با استفاده از نفوذ، جایگاه، ثروت و قدرتی که در اختیار دارند برای تصاحب سهم بیشتری از میراث او به جان هم بیفتند و در آن صورت به نظر نمی رسد سلمان به اندازه سلطان، دارای شخصیتی نافذ و مسلط بر دیگر همگانش باشد؛ تا اوضاع را به نفع آرامش و ثبات در شبه جزیره، کنترل و مدیریت کند.



منابع غیر رسمی اعلام شده بود؛ اما رسماً توسط منابع دولتی دربار سعودی تایید نمی شد. کارشناسان می گویند که به احتمال زیاد، تلاش برای برگزاری مراسم تشریفاتی تشییع پیکر امیر سعودی و همچنین ماجراهای پیچیده ای که در دربار آل سعود از دیرباز در خصوص موضوع جانشینی سلطان در جریان بوده، مانع از تایید سریع این اتفاق شده است. به هر حال، دست کم بر اساس سلسله مراتبی که خود او در زمان حیاتش تعیین کرده، قاعدتاً با مرگ ملک عبدالله، برادر او ملک سلمان ۷۹ ساله، پادشاهی عربستان سعودی را بر عهده خواهد گرفت. ملک عبدالله در چند هفته اخیر به علت ابتلا به عفونت ریه در شفاخانه بستری بود. او در سال ۲۰۰۵ و پس از مرگ برادرش، ملک فهد، پادشاه عربستان سعودی شد.

دنیاً آمد؛ اما درباره محل تولد او اختلاف نظرانی وجود دارد. از ملک عبدالله در داخل عربستان سعودی به عنوان پادشاهی اصلاحگرا نام برده می شود؛ زیرا در دوران زمامداری ملک عبدالله، انتقاد نسبی و نرم از عملکرد دولت در مطبوعات سعودی اجازه انتشار یافت. ملک عبدالله همچنین از افزایش حضور زنان در بازار کار، محتاطانه حمایت می کرد. با این حال، در دوران زمان داری او عربستان سعودی همچنان بسته ترین، غیر دموکراتیک ترین، مستبدترین و انعطاف ناپذیرترین نظام سیاسی در خاور میانه و چه

رانندگی زنان هرچند در زمان او گفته شد که مجاز اعلام خواهد شد؛ اما همچنان یک تابو محسوب می شود. نقد صریح، بی پرده و بدون هراس، از عملکرد دستگاه توالیتر سعودی هنوز با عواقب وخیم و دردناکی همراه است؛ چیزی که تنها در یک مورد، در خصوص وبلاگ نویس منتقد سعودی، بحث برانگیز و رسانه ای شد. بنابراین، کارشناسان می گویند دوره زمام داری عبدالله، کماکان یکی از سیاه ترین دوران تاریخ سیاسی شبه جزیره محسوب می شود. ملک سلمان، پادشاه تازه، در سال

وظایف سیاسی را عهده دار شده است؛ وظیفه ای سخت در تنگناها و محدودیت های دست و پاگیر و خطرناک روابط پیچیده حاکم میان شاهزاده های قدرت طلب آل سعود. باراک اوباما؛ رئیس جمهوری امریکا نخستین رهبری بود که درگذشت ملک عبدالله را تسلیت گفت. آقای اوباما با صدور بیانیه ای، فقدان ملک عبدالله را به مردم عربستان سعودی و خاندان سلطنتی این کشور تسلیت گفت و او را «رهبری قاطع با عزمی راسخ» دانست که برای روابط سعودی و امریکا، اهمیت ویژه ای قائل بود. همچنین آقای اوباما در این بیانیه

هدایت کشتی سلطنت در دریای متلاطم و توفانی سیاست سعودی، از منتقدان جدی غرب و به ویژه امریکا و طرفدار حقوق فلسطینیان بود؛ اما با دست یافتن به قدرت، شاید تحت تاثیر نفوذ عمیق و سنگین امریکا و غرب بر سازوکار پیچیده و غیر دموکراتیک دربار سعودی، ۱۸۰ درجه تغییر دیدگاه داد و به یکی از اصلی ترین هواخواهان سلطه امریکا بر منابع نفتی و مقدرات سیاسی خاور میانه تبدیل شد و آشکارا در قبال مساله فلسطین سکوت و محافظه کاری اختیار کرد.

جرج بوش پدر؛ رئیس جمهوری اسبق امریکا، نیز با صدور بیانیه ای، ملک عبدالله را «متحدی قابل اعتماد و آگاه» برای امریکا توصیف کرده و مرگ او را تسلیت گفته است.

آقای بوش با اشاره به روزهای پس از اشغال کویت توسط عراق، نقش استراتژیک ملک عبدالله در تحکیم روابط امریکا و عربستان سعودی در جنگ اول خلیج فارس را که منجر به آزادسازی کویت شد ستایش کرد.

این ابراز ارادت بوش به ملک عبدالله نشان می دهد که جایگاه او و خدماتش در پیشبرد اهداف سلطه جویانه غرب و امریکا در خاورمیانه چه بوده و امریکا چقدر مدیون سرسپردگی حاکم غیر مشروع سعودی است. از میان رهبران اروپایی، فرانسوا اولاند؛ رئیس جمهوری فرانسه در

## یک سوزن به خود یک جوال دوز به دیگران!

ادامه از صفحه اول / در مقام نظر مورد ستایش قرار می گیرد در عمل اما؛ مورد توجه واقع نمی شود. از جمله در رابطه با نامزد وزیران کابینه حکومت وحدت ملی. در روز نخست معرفی وزرای کابینه، هفت نفر از نامزد وزیران از لیست کابینه حذف شدند، مجلس نمایندگان به سران حکومت وحدت ملی توصیه کردند که کسانی دیگر را به جای این افراد به مجلس معرفی کنند. نگارنده بدون آن که ساحت نامزد وزیران را مورد تعرض قرار دهد و اسانه ادبی کرده باشد. از منظر دیگر به عمل مسئولان حکومت وحدت ملی می نگرد و تمام سخن را متوجه سران حکومت وحدت ملی می سازد؛ که چرا سران این حکومت که در مقام نقد از سیر تا پیاز حکومت کُرزی را به نقد می کشیدند و هیچ موردی نبود که از چشم این افراد مکتوم و پنهان بماند در مقام عمل خود به کاری مبادرت می ورزند که سال های

سال حکومت کُرزی به آن مبتلا و مصاب بوده است. وقتی کسی در مسند نقد حکومت نشیند از زوایای گوناگون به نقد حکومت می پردازد. یکی نقد می کند که چون ابزاری غیر از نقد در اختیار ندارد و می کوشد حکومت را به وظایف و مسئولیت های خود آگاه سازد تا کار حکومت گران سامان پذیرد و سامان پذیری حکومت، کار خلق خدا را سامان بخشد. اما افرادی هستند که با نقد حکومت می خواهند این گونه وانمود کنند که راه حل های بهتری در آستین دارند و اگر در مسند حکومت و قدرت نشستند، راه حکومت را نخواهند رفت و خطب های حکومت را عمل نخواهند کرد.

کسانی که در راس حکومت وحدت ملی نشسته اند از منتقدان جدی حکومت کُرزی بودند حتی جز نقد هیچ ابزاری در انبان ذهن خود نداشتند. این که حکومت کُرزی چون به قانون عمل نمی کند مورد نقد و حتا سرزنش آنها قرار داشت. همیشه این سخن تکرار می شد اگر حکومت به قانون عمل کند بسیاری از نابسامانی ها سامان می پذیرد. حق همین بود، درست می گفتند، حکومت آقای کُرزی از بی قانونی و بی توجهی به قانون نابسامان بود. نقد حکومت معنای دیگری که داشت آن بود که ای مردم به ما رای بدهید که به قانون عمل کنیم و نظر شما را محترم بداریم نه رای و نظر شخصی خود را. لذا اول قدم آن بود که منتقدان کمر می بستند تا ذهن خود را با قانون گرای همگین و هماهنگ کنند و ارزش و اولویت قانون را خود پذیرند. بنابراین حکومت گران کنونی باید دیروز که به نقد حکومت کُرزی می پرداختند به قانون گرای کمر می بستند و قانون گریزی را از ذهن خود دور می ساختند. قانون مداری را سرلوحه همه حرکت ها و تلاش های خود قرار می

دادند. مگر نگفتند که قانون گریزی و پای بند نبودن به قانون مصدر و مجرای همه خلاف ها است؟ بارها گفتند و بارها مردم از مسئولان کنونی شنیدند. حکومت کُرزی قابل نقد بود؛ بر خلاف قانون عمل می کرد و در حکومت داری عدالت را پاس نمی داشت. کسانی که بر سکوی نقد نشستند باید خود را با حداقل عدالت ورزی آماده می کردند. راهی را در پیش نمی گرفتند که مورد لعنت خدا و نفرت مردم قرار گیرند. قانون اساسی افغانستان در ماده ۷۲ خود نمایندگان مجلس را مخیر ساخته که می توانند به افراد دارای دو تابعیت رای ندهند. هم چنان مجلس نمایندگان در مصوبه چندی قبل خود از حکومت خواسته بود که افراد دارای دو تابعیت را به مجلس نمایندگان نفرستد که رای نخواهند آورد. وقتی سخنانی به این صراحت و وضاحت از سوی پارلمان اعلام می شود و قانون اساسی هم نیز

تصریح کرده است چرا سران حکومت وحدت ملی دست به تخلف برده و افرادی را به وزارتخانه ها نامزد کرده اند که حائز رسیدن به مقام وزارت نیستند؟ آیا قانون گریزی در حکومت کُرزی؛ زشت و غیر اخلاقی بود و نباید دست اندرکاران حکومت به آن مبادرت می کرد. اما در حکومت کنونی قباحث از قبای قانون گریزی ریخته و دور زدن قانون کار ممدوح و مورد پسند شده است؟ گاهی خود را ملامت می کنیم که چرا به نقد حکومت می پردازیم. این حکومت هنوز راهی نرفته و و مسافتی طی نکرده است، با این عمر کم و گامهای اندک، چه لزومی دارد که مورد نقد قرار گیرد. اما وقتی دیده می شود که این حکومت با نیم گام خود این همه مرتکب تقلب و تخلف شده و در گام های اولیه، معیارهای قانونی را مد نظر قرار نمی دهد؛ این ذهنیت به وجود می آید که اگر میدان فراخ باشد و دست این

حکومت، همانند دست حکومت کُرزی گشوده باشد، قبح عمل این حکومت به مراتب بیشتر از حکومت کُرزی نخواهد شد؟. به هر حال نقدها اول برای آنست که حکومت بداند که کارهای خلاف قانون مورد اقبال هیچ آدم آزاده ای قرار نمی گیرد و قبیح ترین قبایی است که حاکمان خود می پوشند. دوم این که نقد حکومت این ذهنیت را به وجود می آورد که راه خلاف نروند و به طریق غیر قانونی گام نگذارند. از قدیم گفته اند که سخن گفتن کار آسان و عمل کردن سخت. امید که این حکومت خود را عریان تر بنگرد. در لفاظی و هم و خیال خود را در نپنجد. گرچه کثیری از رسانه های کنونی کشور آلوده و آمیخته با ویروس قوم گرایی است اما بدین معنا نیست که ذهن های پاک و ضمیرهای بیدار همه خفته یا مرده باشد! و به خلاف کاری های این حکومت توجه نکند.



حامد کرزی:

## داعش در افغانستان جایی ندارد

حامد کرزی؛ رییس جمهور پیشین کشورمان در مورد وجود گروه داعش در افغانستان با ابراز تردید گفت که بزرگ نشان دادن این مساله کار استخبارات خارجی است.

به گزارش خبرگزاری آوا، اخیرا شماری از مقامات محلی به رسانه ها گفتند: افراد مسلحی که بیرق داعش را بر افراشته اند، در مناطقی از ولایات زابل، غزنی و هلمند در جنوب کشور دیده شده اند.

کرزی در گفت و گو با بی بی سی در پاسخ به این نگرانی ها گفته است، داعش در افغانستان حامی ندارد و اگر کسی یا گروهی بخواهد، بیرق داعش را در افغانستان بلند کند، باید دانست که دست های خارجی پشت آن است.

کرزی بطور ضمنی، چنین حرکت هایی را با سالهای نخست ظهور گروه طالبان مقایسه کرده و گفته است: «اگر کسی درجایی از افغانستان بیرق داعش را بلند کند، نتیجه توطئه خارجی است که در منطقه وضعیت جدیدی را حاکم کرده و بدبختی تازه و بی ثباتی بوجود آورد.»

وی در ادامه مطلب فوق، افزود: در این صورت وظیفه همه ما و بخصوص نهادهای امنیتی پاکستان است که متوجه باشیم. سی سال قبل این نهادها در کنار شماری از کشورهای دیگر وارد معامله ای شدند که هم خودشان و هم ما را خراب کرد. دیگر باید این حادثه تکرار نشود.



رئیس جمهور سابق کشورمان با تاکید بر اینکه تاکنون تغییری در رویکرد نظامیان پاکستان دیده نشده است، گفت: تاحالا من چنین چیزی نمی بینم. اما امیدواری وجود دارد. آنها هم انسان هستند و می دانند که در نتیجه سیاست های غلط پاکستان مردم این کشور بسیار زجر دیدند، افراد زیادی کشته شدند و اقتصادش ضربه خورد.

وی افزود: این به سود پاکستان است که نهادهای امنیتی این کشور دیدگاه خود را تغییر داده و از افراطیت و تروریسم به عنوان وسیله ای در داخل پاکستان و یا در خارج از این کشور استفاده نکنند.

طی سیزده سالی که حامد کرزی زمام امور در افغانستان را به عهده داشت، رهبری پاکستان به عهده پرویز مشرف، آصف علی زرداری و میا نواز شریف بود.

کرزی در پاسخ به این سوال که آیا این رهبران توان آن را داشته اند که رویکرد اردو در مواجهه با شورشیان را تغییر دهند؟ گفت: اگر توان می داشتند، تغییراتی ایجاد می شد. وقتی که میا صاحب نواز شریف به صدر اعظمی پاکستان انتخاب شد، امیدواری بیشتر شد. حالا هم امیدواری وجود دارد. خودش هم می خواست که رابطه دو کشور بهبود یافته و پاکستان و افغانستان از شر تروریسم رهایی یابند. او تلاش کرده اما تاحالا موفق نشده و امیدوارم که این تلاشها بالاخره نتیجه دهد.

حامد کرزی پس از سقوط گروه طالبان در سال ۲۰۰۱ میلادی قدرت را در افغانستان به دست گرفت، در سپتامبر ۲۰۱۴ قدرت را به اشرف غنی واگذار کرد.

گفتنی است، افغانستان و پاکستان در دوران حامد کرزی روابط پر فراز و نشیبی داشتند.

## پیام امام خامنه ای به جوانان اروپا و امریکا!

در واکنش به سیل پیشداوری ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می گریزانند و می ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد.

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی — تلاش های زیادی صورت گرفته است تا این دین بزرگ، در جایگاه دشمنی ترسناک نشانده شود. تحریک احساس رعب و نفرت و بهره گیری از آن، متأسفانه سابقه ای طولانی در تاریخ سیاسی غرب دارد. من در اینجا نمی خواهم به «هراس های» گوناگونی



معتمدکم که سیاستمداران و دولتمردان آگاهانه راه سیاست را از مسیر صداقت و دورستی جدا کرده اند.

که تاکنون به ملت های غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می بینید که در تاریخنگاری های جدید، رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه ی دولتهای غربی با دیگر ملتها و فرهنگ های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و امریکا از برده داری شرمسار است، از دوره ی استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورخین شما از خونریزی هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملت و قومیت در جنگ های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می کنند. این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می خواهم از روشنفکران خود بیرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟! چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف

با تاریخ اروپا و امریکا از برده داری شرمسار است، از دوره ی استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورخین شما از خونریزی هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملت و قومیت در جنگ های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می کنند. این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می خواهم از روشنفکران خود بیرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟! چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف

خواسته ی دوم من این است که در واکنش به سیل پیشداوری ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی واسطه از این دین به دست آورید. منطق سلیم اقتضاء می کند که لااقل بدانید آنچه شما را از آن می گریزانند و می ترسانند، چیست و چه ماهیتی دارد.

من اصرار نمی کنم که برداشت من یا هر تلقی دیگری از اسلام را بپذیرید بلکه می گویم اجازه ندهید این واقعیت پویا

که تاکنون به ملت های غربی القاء شده است، بپردازم. شما خود با مروری کوتاه بر مطالعات انتقادی اخیر پیرامون تاریخ، می بینید که در تاریخنگاری های جدید، رفتارهای غیر صادقانه و مزورانه ی دولتهای غربی با دیگر ملتها و فرهنگ های جهان نکوهش شده است. تاریخ اروپا و امریکا از برده داری شرمسار است، از دوره ی استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورخین شما از خونریزی هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملت و قومیت در جنگ های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می کنند. این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می خواهم از روشنفکران خود بیرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟! چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف

با تاریخ اروپا و امریکا از برده داری شرمسار است، از دوره ی استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورخین شما از خونریزی هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملت و قومیت در جنگ های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می کنند. این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می خواهم از روشنفکران خود بیرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟! چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف

با تاریخ اروپا و امریکا از برده داری شرمسار است، از دوره ی استعمار سرافکننده است، از ستم بر رنگین پوستان و غیر مسیحیان خجل است؛ محققین و مورخین شما از خونریزی هایی که به نام مذهب بین کاتولیک و پروتستان و یا به اسم ملت و قومیت در جنگ های اول و دوم جهانی صورت گرفته، عمیقاً ابراز سرافکنندگی می کنند. این به خودی خود جای تحسین دارد و هدف من نیز از بازگوکردن بخشی از این فهرست بلند، سرزنش تاریخ نیست، بلکه از شما می خواهم از روشنفکران خود بیرسید چرا وجدان عمومی در غرب باید همیشه با تأخیری چند ده ساله و گاهی چند صد ساله بیدار و آگاه شود؟! چرا بازنگری در وجدان جمعی، باید معطوف

## بیشتر آبدات تاریخی کشور در خطر نابودی قرار دارند



آبدات تاریخی مد نظر گیرد. این در حالیست که مسئولان وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز می گویند که این وزارت بودجه کافی برای حفاظت و یا بازسازی این بناها در اختیار ندارد و کارهای جامعه جهانی نیز در این مورد کافی نبوده است. به گفته ی آنان، از سال ۲۰۰۷ به این سو بیش از ۹۰۰۰ آثار تاریخی که به

وی افزود: علاوه بر این مشکلات، بیکاری های روز افزون باعث شده که بیشتر باشندگان ولایت ها، دست به حفاریات غیرقانونی زوند و آثار گرانبهائی تاریخی را به قیمت ناچیز به قاچاقچیان آثار تاریخی به فروش برسانند.

به باور این استاد باستان شناس، وزارت اطلاعات و فرهنگ به همکاری پولیس ملی باید هرچه سریعتر دست به کار شده و آثار گرانبهائی که نشانگر تمدن و فرهنگ چندین هزار ساله مردم افغانستان می باشد را از خطرات آسیب پذیر نجات دهند.

به گفته ی مجتبی عارفی در صورتیکه مراقبت های جدی از این بناها صورت نگیرد، از دست دادن بناهای تاریخی، مصیبت بزرگی برای افغانستان خواهد بود.

وی از حکومت جدید خواست تا توجه بیشتر در این زمینه داشته باشد و همه ساله بودجه ای را برای حفظ و مرمت کاری

شماری از استادان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه کابل وضعیت آبدات تاریخی کشور را اسفبار و نگران کننده بیان نموده، می گویند که بیشتر آبدات تاریخی در معرض نابودی قرار دارند.

به گزارش خبرگزاری آوا، افغانستان با داشتن تاریخ کهن، همواره شاهد تمدن های بزرگ بوده است؛ موجودیت هزاران آبدای تاریخی در کشور خود گواه غنای فرهنگی و تاریخ پر بار آن است، اما نامانی ها و بحران کنونی بیشتر از هر زمان دیگر حیات این آبدای ها را متضرر ساخته است.

مجتبی عارفی؛ استاد باستان شناس دانشگاه کابل با ابراز نگرانی از وضعیت آبدات تاریخی کشور به این خبرگزاری گفت: عدم آگاهی مردم، کم توجهی دولت و ضعف در مدیریت باعث شده که بیشتر آثار باستانی ما در ولایت های مختلف کشور در معرض نابودی قرار گیرند.